

بیان حقایق؛

اعلامیه‌ای از سید ضیاء‌الدین طباطبایی

محمد کُلبن

راجع به مصاحبه رفیق کافتارادزه که در ۲۷ آذر ۱۳۲۳ شمسی، برابر دوم محرم سال ۱۳۶۴ قمری در روزنامه دولت ایران ارگان سفارت شوروی در ۲۲ آذر همان سال تحت عنوان «مصاحبه با رفیق کافتارادزه» منتشر کرده بود که جملات ذیل آن توجه مرا جلب نمود.

«۱- عمل مجلس در تصویب لایحه قانون منع مذاکرات درباره امتیاز اشتباهی به شمار می‌رود».
«۲- اشتباه مذکور در نتیجه فشار دشمنان دوستی ایران و شوروی از قبیل ساعد و سیدضیاء‌الدین و سایرین به عمل آمده است».

«۳- تصویب این لایحه با وجود امتیازات خارجی در ایران وفق نمی‌دهد».
«۴- دولت شوروی مطمئن است که مجلس این اشتباه را اصلاح خواهد کرد».

سیدضیاء‌الدین طباطبایی اضافه کرده است:

«جرایدی که به زبان فارسی در تهران منتشر میشود و منتسب به سفارت شوروی شناخته شده‌اند و همچنان آژانس تاس و روزنامه «ایزوستیا» و رادیو مسکو از آغاز جنجال نفت راجع به این جانب و ادعای جنبش ضدشوروی در ایران هر چه خواستند در تهران و دنیا منتشر ساختند لیکن هیچ یک از آن انتشارات مورد اعتنا و اهمیت قرار ندادم؛ زیرا ملت ایران از حقایق واقف است و الزامی نداشتیم به غیر از ملت ایران به کسی حساب اعمال خود را پس بدهم». این روشن است که سیدضیاء‌الدین طباطبایی اساس نوشته خود را بر چه پایه‌ای قرار داده است و خواننده آگاه با خواندن متن این نوشته به چندوچون آن آگاه خواهد شد و ما از توضیح بیشتر در این مختصر درمی‌گذریم.

بیان حقایق

راجع به مصاحبه رفیق کافتارا دزه

روزنامه دوست ایران ارگان سفارت شوروی در تاریخ ۲۲ آذر شرحی تحت عنوان « مصاحبه با رفیق کافتارا دزه » منتشر کرده بود که جملات ذیل آن جلب توجه مرا نمود.

« ۱ - عمل مجلس در تصویب لایحه قانون منع مذاکرات درباره « امتیاز اشتباهی بشمار می‌رود. »

« ۲ - اشتباه مذکور در نتیجه فشار دشمنان دوستی ایران و شوروی « از قبیل ساعد و سید ضیاء و سایرین بعمل آمده است. »

« ۳ - تصویب این لایحه با وجود امتیازات بیخارجی در ایران « وفق نمیدهد. »

« ۴ - دولت شوروی مطمئن است که مجلس این اشتباه را اصلاح « خواهد کرد. »

جرایدیکه بزبان فارسی در تهران منتشر میشود و منتسب بسفارت شوروی شناخته شده اند و همچنان آژانس تاس و روزنامه « ایزوستیا » و رادیو مسکو از آغاز جنجال نفت راجع باین جانب و ادعای جنبش ضد شوروی در ایران هر چه خواستند در تهران و دنیا منتشر ساختند لکن هیچیک از آن انتشارات را مورد اعتنا و اهمیت قرار ندادم زیرا ملت

ایران از حقایق واقف و الزامی نداشتیم بغیر از ملت ایران به کسی حساب اعمال خود را پس بدهم، ولی اظهارات جناب آقای کافتارادزه معاون کمیساریای امور خارجه که با حسن نیت باین کشور تشریف آوردند و با اندوخته اشتباه ایران را ترك کردند مرا وادار به توضیح يك حقایقی میسازد و قصدم از این حقایق روشن کردن بعضی مسائلی است که تصور نکنند اظهارات جناب آقای کافتارا دزه، مدرک و مأخذ منطقی و صحیحی داشته است.

اظهار آقای کافتارا دزه که «تصویب لایحه منع مذاکرات درباره امتیاز نفت در نتیجه فشار دشمنان دوستی ایران و شوروی از قبیل ساعد و سیدضیاء و سایرین بعمل آمده است.»، «يك اشتباه عظیم - يك تهمت غیر قابل عفو و يك خطای بزرگ سیاسی است که نسبت بمجلس شورای ملی ایران وارد نموده اند.»

قبل از آنکه به تجزیة اظهارات جناب آقای کافتارا دزه پردازم لازم است يك توضیحات کلی راجع به زمزمه هائیکه در جراید منتسب به سفارت شوروی انتشار یافته و با آژانس تاس و رادیو مسکو بدینا اعلام داشته بیان نمایم.

آژانس تاس - رادیو مسکو و روزنامه‌های مزدور تهران جملاتی منتشر ساختند مبنی بر اینکه ایران ممکن است در آتیه برای اتحاد جماهیر شوروی باعث نگرانی شود - ایالات شمالی ایران حریم ضروری شورویست - مسئله نفت بهانه است قصد شوروی ایمن بودن مرز های جنوبی ممالک شورویست - و از این قبیل مسائل.

گمان میکنم تشریح این قضایا و بحث در این مسائل از نقطه نظر تنویر افکار و کشف حقایق ضرورت دارد.

در هیچ تاریخی - از دو قرن قبل - خطری از طرف ایران متوجه روسیه نشده است، و هیچ ایرانی وطن‌پرستی - هر درجه هم خود خواه و نادان باشد - تصور نوظئه بر ضد شوروی را به خاطر خود خطور نمیدهد !!

در بیست و چهار سال قبل هنگامیکه روسیه از جنگهای داخلی فراغت یافته بود و هنوز اساس حکومت شوروی مستقر نشده بود ایالات ایران تا منتجیل در تحت اشغال قشون انگلیس بود اگر ایرانیانست به ممالک شوروی سوره نبتی را در خاطر داشتند در آن موقع اقلا در صدد اجرائی قرار داد ایران و انگلیس بر آمده و خود را بنامن انگلستان میانداختند و در آن موقع دولت شوروی بواسطه گرفتاریهای داخلی و احتیاجات بین المللی وسایلی تلاشست که ایران را از اشغال بنامن انگلستان جلو گیری نماید.

در موقع انعقاد قرار داد با انگلستان مقتضیات دیگری وجودداشت و خطر باقی مانده استبداد تزاری ژوئالا دینگی و قوای وی حیات وهستی ایران را تهدید میکرد.

لکن بجزرد آنکه بنقاصد واقعی رؤسای انقلاب سرخ شوروی نمی بردیم بلکه قرار داد ایران و انگلستان مصمم شدیم و انگلستان هم با آنکه در آن تاریخ حکومت شوروی را نشناخته بود اگر سوره نبتی را نسبت براضی شوروی در خاطر می بردند چون ایران در تحت اشغال قشون انگلستان بود دولت مذکور قادر بود حکومتی را در ایران بوجود آورد که نسبت به ایجاد جبهات شوروی رویه غیر دوستوارینست خود سازد.

با آنکه رفتار قرن گذشته روسیه نسبت به تمامیت ایران و تجزیه بعضی از قطعات مهم آن و سلوک مأمورین تزاری مخصوصا در

ازه مشروطیت و خدشات جنگ گذشته بواسطه قشون شی روسیه قلب ایرانیان را آزرد و مجروح ساخته بود لکن سرکمون بمن کاخ استبداد بطور و گراد و اعلامیه روسیه انقلاب ملت ایران را آینه آزاد ایران امید دار ساخته و هیچ اقدامی بر ضد روسیه سرخ برنگی ننهاد.

در بیست و چهار سال قبل به ایران و نه انگلستان هیچکدام قدمی علیه شوروی برنداشتند. برعکس ایران افتاده قرار داد ایران و انگلیس اعلام و عهد نامه باشوروی را تصویب و امضاء نمود و اینجانب تلگراف عونت سفیر شوروی را بسکوی مخابره و ورود جناب آقای روشنتین ولین سفیر شوروی را به تهران استقبال و پذیرائی نمودم و همین آقای راسته وزیر بیست و تلگراف فعلی را مأمور پذیرائی سفیر شوروی کردم.

افسوسگری تاریخ - من که بیست و چهار سال پیش سلمی در ایجاد حسن نظام با ایجاد جبهات شوروی بودم امروز متأسفانه بر اثر اشتباهات نمایندگان آن - شاهد و ناظر حوادث غیر مطلوبی در این مناسبات حصه میکردم.

در حالیکه بیست و چهار سال پیش با امکان تهنیتسایلی و نظریات شوروی - با آن خاطره های تلخ دوره تزاری - کسی مابرت به چنین جنایاتی نکرد، امروزه چگونه ممکن است در ایران یک ایرانی وطن پرستی یافت شود که متعاقب مساعدهای رؤسای انقلاب شوروی با زاری و استقلال ایران حتی خیال بخطر انقراض مصالح حقیقی شوروی را بخاطر خطور معدد؟

۶

امروز که دولت شوروی واحد عظیم ترین تشکیلات نظامی دنیا است و با ترقیات فنی کنونی هر لحظه میتواند شهرها و آبادیهای ایران را با خاک یکسان کند چگونه ممکن است يك ایرانی اندیمهٔ مخالفت با شوروی را درعین زمان بپخته خود جای دهد؟

چنین احتمالی نه فقط ازناظر امکان خارج - حتی از خیال عاقلی ترین اشخاص مسلم هم نمیتواند خطسود کند و چنین اظهاراتی را غیر از **القاء شیعه و بهانه گیری** به چیز دیگری نمیتوان تعبیر نمود

و اما اینکه گفته میشود ایالات شمالی ایران حریم شورویست. گذشته ازاینکه چنین فرض و داعیه‌ای مضحك و درودنیای کنونی معنی ندارد اگر ما چنین اصلی را قبول کنیم بهانه « Lebensraum » یا « Espace Vitale » آلدنهارا بیس از چهار سال و اندی خوفناکترین سبزه های تاریخ - درمقابل خود مینمایم.

امروز اگر این اصل قبول شود که ایالات شمالی ایران باید حریم مرز شوروی شناخته شود فردانهران و اصفهان حریم ایالات شمالی خواهد شد و بیس فردا فارس و کرمان حریم اصفهان و تهران - و بنابراین اگر مارا راه بندهند فقط در صحرای بی آب و علف جزیر قالعرب ایرانی حق کیندن نفس آزاد را خواهند داشت.

نازه اگر بر فرض مجال کسانی پیدا شدند که این نظریه را قبول کنند مسالک همجوار ما - ترکیه - افغان - عراق - که تمامیت ایران را برای این بودن خود شوروی بشمارند چون خود را در مقابل خطری دیدند آنها هم بنوبه ممکن است اصل طبق سرانوم، رایش کشیده و هر يك حرمی برای مرزهای خود قائل شوند و بالاخره با قبول این اصل

۷

سر زمین ایران بهانهٔ کشمکش بین دول قوی گردد.

راجع به هندوستان و خطر احتمالی انگلستان برای شوروی از طریق ایران ذیلا توضیح خواهم داد.

اکنون فقط میگویم Lebensraum را دنیا قبول نکرده. حریم مرزهای ممالک همجوار را هم ایران قبول نخواهد کرد.

گفته میشود بیس از صدها ملینارد خسارت و ده ها میلیون تلفات انسانی آید دنیا با اصول عدالت اداره خواهد شد. عدالت هم میسر نمی شود مگر با معاملهٔ متقابله و رعایت حقوق متساویه.

کدام عدالت و کدام معاملهٔ متقابل اجازه میدهد که شوروی برای مرزهای خود - با آن همه اقتدار - حرمی قائل شود و ایران از حق داشتن حریم در مرزهای دیگران محروم باشد!!!! بیس اگر عدالت و قانونی نیست و فقط زور و قدرت مقدرات کینی را تعیین خواهد کرد موضوعی است که فقط آینده و تاریخ

شان خواهد داد!!!!

اگر بناهست ماهمه چیز را بیازیم و تسلیم نیر و وقدرت شویم دیگر دلبلی نداریم که زبان دانی نکنیم. دادا بیس لاسان طالسانه.

اکنون خوب است لحظه مسئله حریم را از نقطه نظر فنی و نظامی چون بنظر احتمالی انگلستان و هندوستان اشاره کردم مورد مطالعه قرار دهیم.

بنجاه سال قبل شاید داشتن شمال ایران برای حفظ مرز روسیه نتیجه داشت ولی امروز با ترقیات مجرب العقول هوا پیمایی مسافت و فاصله دیگر معنائی ندارد.

۸

نیروی هوایی شوروی از ترکستان در فاصله چند ساعت می‌تواند هوای آن زمین‌های کهنه‌به‌شهرهای هندوستان سرانبر نماید و هم‌زمان آنکستان می‌تواند در فاصله چند ساعت از میدان‌های طیاره‌های شرق نزدیک هوای آن بمب‌های آتش‌زنده بر جاه‌های نفت باد کوبه و قفقازیه فروریزد.

در چنین حالی - در چنین وضعیتی - با هر پیش داشتن تصور چنین سر نوشت خوناکی برای دنیا - داشتن حرم و منقعه، نغز و چند صد کیلومتر پس و پیش بودن چه تأثیری خواهد داشت؛

شوروی که تالستان گرا دغنی‌بیشی اختیار کرد امروز نیروی خود را در وسط اروپا - اطراف بواریست - استوار ساخته - بنابر این برای اتحاد جماهیر شوروی شمال‌ایران از نشی نخواهد داشت. فقط چنین زمره ممکن است مقدمه یک بدبختی دیگری برای گیتی و ملیون‌ها جوانان معصوم نسل‌های آینده‌شوری واقع گردد.

بفرز چنانچه کتیب‌اکر ما ایرانی‌ها هم تسلیم‌پذیران صل‌الین‌سرام؟
با بسط‌الرح حزب توده «حرم‌شوم - بدون تردید نایب‌الیکه برای صلاح و آسایش بشری این همه فدا کاری‌ها را تحصیل کرده نیز بار چنین اصلی نخواهد رفت!!!

بنابر این کس‌ایکه می‌کوبند منقعه نفت بهانه‌است و قصد نمایندگان شوروی این‌ها بودن مرزهای جنوبی شوروی است به حقیقت و وضو عالمی کنونی و اقتضایستند با چنین بهانه و زمره غیر از اینکه مستکلی بر مشکلات ایران و شوروی دنیا بیفزایند برای هیچیک از این دو مملکت نتیجه بدست نخواهند آورد.

با این حال برای دفع هر گونه سوء فقام و ایجاد بهترین مناسبت

با اعمال اتحاد جماهیر شوروی گمان می‌کنم هر ایرانی وطن پرست و اقیق بوضعیات، موافق و معتقد بوده که امتیاز نفت شمال باخج و هیچیک از کسبانی‌های بیگانه داده نشود و اگر روزی پس از تحلیله ایران و روشن شدن مناسبت مملکتین مجلس شورای ملی ایران قصد دادن امتیاز بخارج را داشته باشد با شرایط مساویه حق اولویت با اتباع مال اتحاد جماهیر شوروی باشد.

چرا ما این حق اولویت را برای شوروی قائل می‌شویم؟
برای اینکه ما خود را هنوز در تحت تأثیر مواعید لندن و گذشت‌های شوروی و عهد نامه فوریه ۱۹۲۱ میدانیم.

برای اینکه ما تا درجه استقلال خود را مرهون انقلاب سرخ و فنا کاری‌های مال هم‌چوار شمالی خود میدانیم.

برای اینکه معتقد بوده و هستیم که مال اتحاد جماهیر شوروی اگر از کسی سل قبل انواع فداکاری و مصائب را تحمل نمود برای این بود که نظام زندگی‌مانی بشری بر اساس عدل و داد استوار گردد.

برای اینکه ما همسایه هستیم و منافع مشترکی داریم و باید قرن‌های آینده در دوستی و سلامت با هم زندگی کنیم و از این نقطه نظر ما خود را موظف میدانیم که تمام وسایل سوء فقام و شبهه را بر طرف سازیم.

ما میدانیم که بدون دوستی و موودت با مال شوروی نخواهیم توانست زندگی‌مانی و سعادت آتی ملی خود را تأمین نماییم. لکن چون قصد تأمین سعادت نسل‌های آینده را در نظر داریم ناگزیریم مصالح ملی خود را فقط موافق سنجش و ادراک

خود تأمین نماییم .

اکنون ممکن است گفته شود باین احساساتیکه این جانب نسبت به ملل اتحاد جماهیر شوروی دارم و معتقد هستم که هر ایرانی وطن پرستی و مخصوصاً اکثریت نمایندگان مجلس شورایی ملی دارای همین احساس و عقاید هستند چرا و بچه سبب و در تحت تأثیر چه عواملی چنین رفت باین شکل غیر مطلوب پیش آمد و منجر باینستغنی آقای ساعد و متعاقب وقایع دیگر منتج بتصمیم ناگهانی بازمه آخر ماه مجلس شورای ملی گردید .

سبب این جنجال موافق تخصصات این جانب که حوادث آنرا تأیید نموده نتیجه روشن نبودن وضعیت سیاست خارجی یعنی مناسبات ممالک همجوار ما باین مملکت اولاً - و طرز نادرینکشدن نمایندگمان اتحاد جماهیر شوروی باین موضوع ثانیاً .

برای بیان مقصود خود ناگزیر از عرض مطالبی هستم که ظنیت آن برای من ناگوار و برای خوانندگان ملت ایران نیز از تحمل تجاوز سال مصائب شنیدن آن دلخراش است .

اگر بموجب عهد و پیمان و معاهدات اشتهاد شده و اعلامیه تهران وضعیت سیاسی و مناسبات خارجی ایران روشن بوده است لکن در عمل بر خلاف نص همان «معاهدات مذاخرات متفقین در امور داخلی این مملکت - مناسبات وقایع شهربور - روز افزون و همه روزه و هر لحظه از استقلال داخلی و حق حاکمیت ملی ایران کاسته میشده .

تصحل و بردباری حکومتهای متعدد در عرض این چهار سال در مقابل تجاوزات ممالک همجوار در امور داخلی ایران بر جسارت و

۱۱

بی عدالتی آنها روز بروز افزود و کار بچائی رسید که حکومت ایران در هیچک از امور داخلی نمیتواند قدرت و نفوذ خود را بکل برده و مصالح ملی و سیاسی ایران را تأمین نماید .

چربان انتخابات و مذاخرات مأمورین انگلیسی در غرب جنوبی مأمورین شوروی در ایالات شمالی یکی از مظاهر مذاخرات مأمورین متفقین ماست در امور داخلی ایران و این مذاخرات در نتیجه وجود قوای متفقین در ایران - تحت و مرعوب شدن حکومت مرکزی میشدند .

با آنکه تهران از اول یک شهر آزاد و بدون مقلومی بود قشون متفقین در اطراف پایتخت اقامت کرده و حتی در شئون داخلی شهر تهران مذاخراتی مینمودند . در زبان های ارتش های متفقین در کوچه های تهران بنحود اجازه پاساژی را میدادند .

باین مقایسه قاسم آوار است ولی باید صفت :

در جنگ گذشته مأمورین سیاسی حکومت تزاری که آشنا به عور - توکل های بین المللی بودند با اینکه ایران را تقسیم کرده بودند قشون روسیه تزاری و انگلستان برای رعایت احساسات و مجروح ساختن غرور ملی ایرانیان بنحود اجازه ورود به پایتخت را ندادند .

با آنکه تعلیمت آلمانها در آن زمان بسیار و هر لحظه احساسات وقایع ناگواری میرفت از یکصد هزار قشون ژرمان باوراف و سی هزار قشون ژرمان «آ برن - سایه» نمونه‌ای هم در شهر تهران دیده نمیشد و حکومت وقت با فقدان تکلیلات نظامی امنیت پایتخت را بهتر از امروز تراست تأمین نماید .

امروزه از بیرون دروازه تهران و در تمام ولایات شمالی افراد ارتش شوروی مسافری را تفتیش و حتی در بعضی نقاط عنوان منطقه اشغال شده را پیش کشیده و ایرانیان را در سرزمین خود اجازه مسافرت ندهند.

هیئت دولت برای فرستادن قوای نامینه به بعضی نقاط منگلت آزادی عمل نداشت و میبایست قیلا و ضلایب خاطر سفارت یا فرماندهان قوای شوروی را جلب نماید.

برای فرستادن مأمورین مایله به آذربایجان و خراسان و کیلان لازم بود قیلا از مسکو اجازه و ویزا خوانسته شود.

حزب توده با جراید یکباره ایرانیان را مستحب سفارت شوروی میدانند از هر نوع بی احترامی و دشنام و اهانت به تشکیلات ما - به مجلس شورای ملی ما و لیبرهای سیاسی ما خودداری نمیکردند و در مورد تصویب باره اعتبارنامه مسئله شمال و جنوب را پیش میکشیدند و اختلافات داخلی ما را به سیاست خارجه منتسب میساختند.

در مقابل تمام این تجاوزات و اقدامات دیگری که فعلاً در آن خودداری میکنم و آرزودارم مجبور به پرده‌داری و گشتر اسرار شرمناکی نشوم - چهار سال است هیئت های حاکمه ایران سکوت اختیار کرده - دم فر وبسته و خود را شاهد و ناظر از همان رفتن حق استقلال و حاکمیت ایران معرفی میکردند.

این جریانها - این وضعیت و این تجاوزات يك شبهه و سوءظنی در افکار ایرانیان نسبت به سیاست متفقین ایجاد کرده بود و هر ایرانی که بمشغرات سر زمین خود علاقمند بود حق داشت نسبت به آئینه این مملکت نگران باشد.

در چنین وضعیتی و با چنین زمینه نامساعدی مذاکره نقت بمیان آمد. جریان مذاکرات عالی و طبیعی بود و با کمال سهولت ممکن بود بدون پیدایش مشکلاتی برای حسن تقاضا پیدا شود.

لکن بیانات جناب آقای کائنات از معارون معزوم کمیساری خارجه آنجا جاهلی شوروی که با انصافه در اوراق حزب توده جزا میدیکه منتسب به سفارت شوروی شناخته شده اند با تبلیغات پر خند آقای ساعدو اکثریت مجلس شورای ملی جنجالی بر پا ساخت که منتهی به نمایش جمعه تاریخی پنجم آبانماه گردید.

این جریانات - این تبلیغات و این نمایشات تمام علاقمندان باستقلال و حق حاکمیت ایرانیان ناگهانی داد و روشن جلده نما میدادند. متفقین ما نسبت به تشکیلات و قوانین و مقررات مملکت ما رویه احترامی را پیشه خود نمی سازند و مصمم هستند از مجاری غیر طبیعی و غیر قانونی نظریات سیاسی و اقتصادی خود را پیش ببرند.

آنچه شنیده ام آقای کائنات از شخصی خیر خواه و در گذشته احساسات خیر خواهانه نسبت باین مملکت ابراز داشته اند. بنا بر این چه سبب شده که با چنین نیت خیر این رویه را پیشه خود ساختند؟ بعینه من بایشان ملاحت زبانی نمیتوان وارد کرد زیرا موریالیه تازه وارد و از اوضاع حقیقی این مملکت در سترا آفته بداند.

رویه ایشان در تحت تاثیر نظریات اولیاء سفارت شوروی و تلقینات حزب توده بوده و بدون شك اگر ایشان از جریان افکار عمومی اهل این مملکت واقف بودند این رویه را اتخاذ نمیکردند.

لکن در هر حال نباید انکار کرد که اظهارات ایشان نمایندگان مطبوعات بر خلاف نزاکت و اصول حقوق بین‌المللی بود.

اگر واقعاً ایشان تشخیص داده بودند که نمیتوانند با آقای ساعد مذاکرات خود را ادامه بدهند تنها طریق این بود که مراجعت فرموده و بدولت خود قضا را گزارش دهند.

ترک مناسبات با یک مملکتی نه فقط از صلاحیت یک سفارت و با معاون وزارت خارجه خارج است بلکه هیئت دولت و سران دولت هم واجد چنین صلاحیتی نیستند. فقط سران مملکت یعنی سلاطین و رؤسای جمهور حق قطع روابط با یکدیگر را دارا میباشند.

این رویه نماینده اتحاد جماهیر شوروی اگر هم قصدشان این نبوده ولی مارا بنبوده این حقیقت نمود که چون ضعیف هستیم با ما معامله اقویا با ضعف‌ها روا میدارند.

تتها راه تسلی خاطر ما باید این باشد که رفتار سفارت شوروی را در تهران مربوط بدولت اتحاد جماهیر شوروی ندانسته و این اقدامات موطن را به حکومتی که آئین و اصول مقدسه‌اش را

دستور سیاست خود قرار داده مرتبط ندانیم و البته هم بخوایم دانست ما این درجه فرستادیم که تمیز بهمین نمایندگان است که بر خلاف اصول مقررده و پیمان‌های امضا شده و اعلامیه منتشر گشته رفتاری بکنند و وظیفه نمایندگی حقیقی دولت خود را ادا نکرده‌اند.

با نهایت مسرت نه فقط از استنباط بلکه از آثار و ظواهر دیگری می توانم بگویم که دولت اتحاد جماهیر شوروی در این جریانک و در

ایجاد این بحران مداخله نکرده و حتی تشریفات روزنامه‌ایرو ستیارا را نباید عقیده دولت مسکو دانست

ما بقدر کفایت از نیرو و عظمت همسایگالی خود واقف بودیم لکن پس از چهارسال فنا کاری انتظار چنین مسئله‌ای را نداشتیم.

بقیمت شکستن کمر ایرانیان این مملکت را بل پیروزی اتحاد جماهیر شوروی قرار دادیم و سزاوار نبود باتصل این مصائب این رویه تجنّب آمیز را نسبت به دولت ما و مملکت ما و احسانات ما درو بدارند و همان اکثریتی که این فناکاری را بر ملت ایران تحمیل کرده مهم بقابضتی بخوانند.

بنا به این اقدام نماینده اتحاد جماهیر شوروی عدم نزاکت آقای ساعد نخست وزیر ایران بوده.

لازم است بدانیم آیا حقیقتاً آقای ساعد مرتکب عمل خلاف نزاکتی شده؟

ساعد مراغه بزدی نیست - کرمانی نبوده - در اصفهان و شیراز هم تربیت نیافته - مستر فلسطانی هم نامبرده نشده بوده

این پرورش یافته مراغه - این فرزند غیور آذربایجان - آذربایجانیکه چهار قرن خون جوانان خود را فدای استقلال ایران کرده بود. در این روز های بصرانی خداخواست که پاک آذربایجانی زمامدار ایران باشد.

این ساعد مراغه سی سال در ممالک همسایه شمالی ما زندگی کرده - هفت سال در سفارت کبرای مسکو بوده - سه سال وزیر خارجه و رئیس الوزراء ایران بوده - اگر این آذربایجانی نزاکت های بین‌المللی را نمیدانست نمیتوانست واجد چنین مقاماتی باشد.

سابقاً او - گذشته او - همت وی در عقد پیمان سه گانه و روابط مسیبه که همواره با دولت شوروی داشته با حق میدهد که معتقدینیم بی تراکتی نکرده - فقط خون آذربایجانی وی بلو اجاره نداد که بر خلاف عقیده خود و مصالح ایران یک وعده شغلی با سند کتبی در مقابل قاضای نماینده قوی ترین دولتهای معظم دنیا بدهد .

این خود داری وی از اینکه بر خلاف نظر اکثریت مجلس و اکثر عمومی رضای تنباید تنهاسب عدم رعایت تراکت شناخته شد . زیرا انتظار نمیرفت نماینده یک مملکت ضعیفی مانند ایران جسارت رد قاضای نماینده قوی ترین دولتهای دنیا را بنماید . اگر ساعد بی تراکت و میجر شناخته شد فقط برای این بود که نماینده یک مملکت ضعیفی است که پس از وقایع شهریزور پیش از ضرورت از خود ضعف و بی ارادگی نشان داد . البته مطابق قوانین اقویا با ضعف - ضعیف باید تراکت تسلیم شدن را داشته باشد .

لکن ساعد مغرور بود !!!
ساعد بچه مغرور بود !!!
ساعد با وعده لنین - امضای چی چیزین و اعلامیه استالین مغرور بود !!!

ساعد و اکثریت مجلس شورای ملی معنی و مفهوم پیمان سه گانه و اعلامیه تهران را بر خاطر خود سپرده بودند . ذرات غیر مرمی آسمان تهران بیانات روزولت ، استالین و چرچیل را ضبط کرده بود .

اعتزاز امواج جو ایران - انعکاس گفتار و وعده های قضایی بزرگان بزرگترین نبرد های بشری را راجع باستقلال و حاکمیت ملی ایران هنوز بگوش عالمیان میرساند .

اسم تهران ، با باز شدن جبهه غرب ،
اسم تهران ، با بیروزی منتقین ،
اسم تهران ، با آزاد شدن فرانسه و بازیک ولوگرا میورک ؛
اسم تهران ، با بهترین لحظات زندگی روزگاری روزولت ،
اسم تهران و چرچیل توام است .
در همین تهران بود که سر نویت گیتی برای آزادی بشر تعیین شد .

آیا باور کردنی بود که در این طوفان حوادث هر ملتی بازادی و استقلال خود نائل شود و در چنین حالی آزادی و حق حیات ملت و مملکت ایران محصور گردد ؟

اگر این خاطره ها و این سوانح و این اطمینان بعبدات بین المللی نبود شاید ساعد در مقابل قاضای نماینده دولت شوروی خود را کنار می کشید تا امروز نشان و عنوان فانیستی از مسکو برای او صادر نشود !!!
ساعد ایفای وظیفه کرد
.....

حالا اگر ایفای وظیفه ملی میبایست بعدم تراکت تعبیر شود تعبیر تازه ایست که باید در قاموس مناسبات و روابط بین ملل نوشته شود . ولی مشکل است بعضی از کشور ها این تعبیر نو ظهوری را که فقط از قدرت جعلی کرده قبول بنمایند .
نمایندگان همسایه نیرومند شمالی ما فقط باظهارات مخالف تراکت

آقای کاتارادزه بر ضد ساعد و تحریکات علنی بر ضد دولت و مجلس ایران قیامت نگردند بلکه روزیکه حزب توده در پنجم آبان نمانشی داد کامیونالی شرکت با بری شوروی مشتق کار کر و عملاً بدینحرا از اطراف تهران و نقاط دور دست به تهران آورد و در موقعی که نمایش دهندگان در خیابانهای تهران حرکت میکردند کامیونهای ارتش مشتق ما در حالتیکه افراد ارتش سرخ مسلسل در دست داشتند نمایش دهندگان را حمایت میکردند .

در تبریز فرمانده قوای شوروی در موفیکه دمیته از حزب توده خیال حمله بشهریانی و تخریر ادارات دولتی را داشتند و افسران ارتش ایران در مقابل این تجاوزات دفاع می کردند با امر فرمانده قوای شوروی سربازان ایرانی را خلع سلاح و فرمانده ارتش ایران را از تبریز تبعید کرده اند . ملت ایران در چنین موقعی حسن وظیفه شایسته افراد ارتش خود را تقدیر کرده و فراموش نخواهد کرد .

در رشت و تبریز با تحریکات نمایشالی بر علیه حکومت ساعد برپا د تلگر افاتی به تهران مخابره و انتظار داشتند با این جبار و جنجال و تشنات غیر قانونی هیئت دولت قانونی ایران را مجبور به کناره گیری نمایند .

این مناظر ناتر آور در تهران و بعضی از ایالات شمالی یکی بعد از دیگری رخ داد و همه متوجه شدیم که ما استقلال خود را از دست داده‌ایم !!

تشکیل و کناره گیری هیئت وزرای ایران مربوط بر رعایت مقررات

قانونی - تمایل اکثریت مجلس واراده پادشاه ایران نباشند .
لکن ساعد از آنکه به اکثریت مجلس وظیفه قانونی خود را احاط در مقام خود باقی ماند .

بر اثر مقاومت ایشان تشنات دیگری شروع شد . وکلای بعضی از ایالات شمالی را تهدید و بالاخره روزنامه «ایروستا» بر ضد ساعد و اکثریت مجلس و لیدر های سیاسی ایران مقاله منتشر و آنها را به تهمت قاضیستی متهم نمود .

که آزادی تامس و حیای متفقین ما بجائی کشید که در عین آن میساخت و با تو و ستیا بر ضد لیدر های سیاسی ما مقاله منتشر کرد نمایندگان سانسور متفقین تلگرافات نخست وزیر ایران را به سفرای ایران در تلگر افخانه تهران توقیف کردند و بجا اجازه ندادند در مملکت خود مان سیر بدیختی خود را بگوش نمایندگان ایران در ممالک خارجه برسانیم .

ایران ناتوان - ایران ضعیف - ایرانی که هستی خود را فدای پیر روزی متفقین خود ساخت این نا مایامات - این تجاوزات و این بی عدالتی هزار با بردباری و متانت تحمل نموده بالاخره پس از آنکه در اسر تالیفات اسرار آمیزی که روزی نوشته و گفته خواهد شد ساعد تصور کرد اگر پیش از این بماند شاید عواقب دیگری برای مملکت پیش آید استغای خود را باطل بخسرت شاه تقدیم کرد .

سند استغای ساعد نخست وزیر ایران يك سند داخراش

تاریخی است که باید در دبستان های ایران برای نسل آینده خوانده شود.

.....
 نمایندگان شوروی در تهران و ولایات شمالی بر اثر تلقینات مثنی مزدور ایرانی از دوماه قبل يك بحرانی را در این مملکت ایجاد و اساس حکومت مارا متزلزل ساخته و برای اینکه بعضی از مأمورین شوروی به خیبط و اشتباهات خوداتفرافی نکنند تهمت‌های اساسی «دشمنان دوستی ایران و شوروی» را اختراع و باین بهانه میخواستند مسئولیت اشتباهات خود را تخیف دهند.

اکنون بروم سر مطلب و اظهارات جناب آقای کافرانزاده:
 ۱- اینکه میفرمایند فصل مجلس در تصویب لایحه قانون منع مذاکرات درباره امتیاز اشتهای بشمار میرود، با بیانات ادب خاطر ایشان را متذکر می‌سازم که تفضیص این اشتهاء از صلاحیت هر یک از اعضای خارج و فقط مجلس شورای ملی ایران صلاحیت اتخاذ هر تصمیمی را که مقتضی بداند دارا میباشد.

۲- اینکه مرقوم داشته اند «اشتهاء مذکور در نتیجه فشار دشمنان دوستی ایران و شوروی از قبیل ساعد و سید ضیاء و سایرین بعمل آمده است» باز با نهایت احترام تذکر میدهم که تصمیم مجلس شورای ملی راجع به منع مذاکرات نفت - فقط و فقط - در نتیجه سیاست غلط و تهدیدات و اشتباهات مأمورین شوروی در ایران است و اگر آنچه کردند مرکب نشده بودند مجلس شورای ملی ایران را اذکار باین عکس العمل نیساختند و ضمناً باید اعتراف بنمایم که اختراع

بیانشان آن اکثرت و چنین تصمیمی فقط مربوط به شخص من یا دیگری نبوده و شاید هم با تصویب آن مواد یا آن طرز موافق نبوم و میخواستم تماماً بگویم که این قانون فقط برای مدتی که قانون ریگانه در ایران توقف دارد اعتبار داشته باشد. لکن محیط مجلس - تشنج افکار در نتیجه سیاست غلط مأمورین شوروی - حتی بن فرست و مجال اظهار عقیده را نداداد و با کمال اطمینان و حماقت عرض میکنم اگر مأمورین شوروی سیاست عاقلانه را پیش کشیدند و جزایریکه منتسب به سفارت شوروی شناخته شده اند و آنرا ناس نامی و رادبو مسکو تمام مقدمات ایران را تفتیر فیکردند با چنین پیش آمدی مواجه نمیشدند.

۳- «تصویب این لایحه با وجود اشتیاقات خارجی در ایران رفیق نمیدهد.»

مشاورین حقوقی جناب آقای کافرانزاده مقتضی بود خاطر منورالیه را متوجه این نکته سازند که امتیازات خارجی در ایران اگر مقصود نفت جنوب است در زمان امضای پیمان ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ وجود داشت. در موقع انعقاد پیمان سه گانه از اعلامیه مارشال استالین و مستر روزولت و مستر چرچیل نیز موجود بود.

در موقع امضاء و انعقاد این پیمانها و اعلامیه ها هیچک از امضا کنندگان استقلال ملی و حاکمیت سیاسی ایران را در آینده مشروط و محدود نداشتند و مادامیکه نمایندگان شوروی و بریتانیای کبیر و ممالک متحدت امریکای شمالی بشراف اعلامیه استالین و روزولت و چرچیل علاقه مند هستند حق ندارند و مجاز نیستند برای حق حاکمیت ماقبیر و تعبیری قائل شوند.

۴- «دولت شوروی مطمئن است که مجلس این اشتباه را اصلاح

خواهد کرد. »

مجلس شورای ملی ایران خود بخود پیکر انشایی نشده و این تصمیم را نباید به عنوان اشتباه تعبیر نمود.
ممکن است روزی مجلس شورای ملی ایران در این تصمیم خود تجدید نظری بنماید. لکن امکان این تجدید نظر فقط مشروط به آنست که نمایندگان اتحاد جماهیر شوروی در ایران رویه و سلوک و سیاست خود را تغییر بدهند. از مداخله در امور ایران اجتناب نمایند. اجازه ندهند دسته مزدور خود را متناسب به شوروی نموده و از ارتکاب هر کاری خود را امتیاز یابند.

و در هر حال ممکن نیست هیچ و کمال وطن پرست ایرانی به تجدید نظر در تصمیم مجلس شورای ملی رضایت دهد مادامی که یک فردی از قشون بیگانه در حالت ایران موجود باشد.
روزی این تجدید نظر ممکن است میسر شود که هیئت وزراء ما با تمایل اکثریت و اراده شده تعیین شود نه آنکه تمایل سفارتخانه ها در نصب و سقوط آنها رعایت گردد.

اگر با دو تکرار مضموعی و ساختگی تبریز و رشت بنا هست هیئت دولتی که مجری سیاست اکثریت مجلس بوده مجبور به استغنا شود باید نتواند بود که فرار با صد ها و هزار ها تانکر نفت سکنه حقیقی شرق و غرب و جنوب ایران همیت هلی دولتی که با تمایل بیگانگان تشکیل شده مجبور به استغنا شود.

این هم زندگی شد که با نمایش های مضموعی در کوچه ها و زرا استغنا دهند..... ؟

با این ترتیب مملکت اداره نخواهد شد. !!!

فردا هر سفارتخانه ممکن است مستشاران از مومنان را از پیش متعین زینت با بخت ملاترانشکیل بدهند تا بمسئله‌ای آنها هم بدوخته کنند و نمانند دهند گان بشود. !!!

مطابق تشکیلات مملکتی و قانون اساسی حکومت با اکثریت است. اکثریت ملت نمیتواند زیر بار حکومتی برود که برای خاطر دیگران و برای تمایلات بیگانگان تشکیل شده.

بنا بر این اولین وظیفه ما روشن کردن مناسبات ایران است با ممالک همجوار و این مناسبات هم روشن نخواهد شد مگر اینکه دولتی داشته باشیم که ادراک و تشخیص این را داشته باشد که نمایندگان دولت سه ساله را دعوت و از آنها بخواهد که آیا بین آنچه تعهد کرده اند و آنچه دیده میشود قیاس و تاقضی نمی‌یابند ؟

بنابندگان شوروی و انگلستان و آمریکا باید فهماند که مناسبات ما روشن نخواهد شد مگر اینکه پایتخت ایران از قشون بیگانه تخلیه شوند و مداخلات ارتش متعین در امور داخلی ما خاتمه پیدا کند.

دین قشون بیگانه در تهران برای ما تحمل نا پذیر است !!!

پس از مناظر جمعه تاریخی پنجم آبان ماه امنیت عمومی در تهران سلب شده و با تحرکاتی که در شمال میشود و تهدیداتی که در تهران موجود است اگر بزودی وضعیت روشن نشود با صریحترین بیانی باید اعلام داشت اگر قشون متعین تهران را ترک و

باین عملیات خامه ندمند موضوع تغییر پایتخت ممکن است مورد توجه نمایندگان حقیقی ملت ایران واقع گردد.

نماینده‌گان حقیقی ملت در هر نقطه‌ای از ایران جمع شوند مجلس شورای ملی ایران همانجا تشکیل خواهد شد.

این تهدید نیست - رفتار سفارت شوروی و تهدیدات می‌دربی مزدوران شوروی برای ایران پاک و وضعی را ایجاد کرده که غیر از یک چنین تصمیمات فداکارانه‌ای از خود گذشته‌گی نمایندگان حقیقی ملت راهی برای رساندن فریاد ایرانیان بگوش جهانیان نمی‌بینیم.

مابونها زبانی بیوه و فرزندان بدر کشته و مادران داغزیده ملل اتحاد جماهیر شوروی و سایر ملل فداکار که انواع فدا کاریا را برای آزادی بشر تحمل کردند باید بدانند که اعلامیه رفریوت، استالین و چرچیل چه ارزشی دارد و خود این بزرگان هم باید بدانند که نمایندگان آنها با ملت ایران چه معامله میکنند.

مادامیکه سانسور منتقین روابط مارا با دنیا قطع کرده و ارتش منتقین حکومت و هیئت قانون گذاری ما را هر لحظه در مقابل انواع تهدیدات قرار میدهد آیا غیر از اقدامات اسامی و جدی راهی بنظر می‌رسد؟

یکماه است مأمورین شوروی عدّه از کارمندان دولت - تجار و اهالی بی طرف را از مازندران و گیلان به تهران تبعید کرده اند.

از شهر رضایه هم قسور و فرمانده شوروی عدّه از بزرگان بیچاره ما را تبعید کرده اند.

اگر بان سخاخی ها و تجاوزات قسور و مأمورین شوروی اعتراض شدیدی نشود و عزل این مأمورینی که تاریخ تلخ دوره تراری را به خاطر ما میاورند تقاضا نشود فردا در تهران همین رفتار را مرتکب خواهند شد.

این تهدیدندگان اگر تفسیری را مرتکب شده اند چرا بسا کماکه جلب نمی شوند و اگر خطائی ندارند چرا از لایحه خود معذورند؟

ملت ایران از تهدید به عملیات شدید در گیلان و مازندران و در بایجان مرعوب نخواهد شد چنانچه در ۱۴ سال قبل هم از تشکیل حکومت مختلط رشت و غیره مرعوب نشدیم.

فرانسه و بلژیک و لوگزامبورگ هم چهار سال در تحت نفال مجاورین بودند و بالاخره آزاد شدند.

ما هم صمم حستم با آزادی زندگانی کنیم. نیروی مجاورین قدرت و قوت و قهر و غلبه است، بروی ملت ایران - حق - اطمینان بعدالت و فریاد است.

وکالی مجلس فرانسه و بلژیک و هلند برای آزادی ملل خود چندین سال در بدو بودند.

نماینده‌گان حقیقی ملت ایران هم برای آزادی ایرانیان هر حادثه را استقبال خواهند کرد.

اگر مظلوم و ضعیف چون همه چیز را میزاید از نیروی وی ترسد و بی شهادت تاریخ عالم اوقیا میبایست از فریاد شفا و مظلومین در اندیشه و هراس باشند.

در این روزهای سیاهی که برای ایرانیان پیش آمده در این لحظات بحران جیات سیاسی - نهیوان بیش از این ناظر وقایع الفناک یکی بعد از دیگری گشته و اجازه بدهم ماهورین سیاسی که باسم دوستی و موودت در مملکت ما نقشه‌اند بنماه‌رسالی که در اختیار دارند مثبت شده و هر لحظه استقلال و حق حاکمیت ایران را متزلزل و در عین حال بدون خجالت مرا متهم در دشمنی با ملل اتحاد جماهیر شوروی بنمایند.

حق حاکمیت ملی و استقلال سیاسی ایران مسر نشود مگر با خاتمه دادن بعد اخلاص اجانب در امور داخلی ما - دور شدن قوای بیگانه از پایتخت - تعیین تاریخ قطعی تخلیه ایران از قشون متفقین - و این مقاصد هم بعمل نتواند آمد مگر بوسیله یک حکومتی که به لحاظ استقلال و حق حاکمیت کامل ایران قادر به جابه‌جایی رزائیم حسنه با حکومت اتحاد جماهیر شوروی بشود و نیل باین مقصود جای نهایت تلف است که از توانائی و سنجش قدرت و رویت حکومتی که موجود است خراج میبشد.

حالا فهمیده میشود که ضدیت سفارت شوروی با حکومت ساعد فقط برای این بود که حکومت مذکور مصالح عالیه ایران را دفاع و از گشتن و اعلام حقایق بگت ایران و دنیا باکی نداشت.

اگر ما حکومتی داشتهیم - اگر نهجست‌و‌نیز ما و وزرای ما وظیفه خود را در مقابل ملت و مملکت میدانستند من مجبور بدانان چنین اعلامیه و نوشتن این حقایق نبودم. گمان میکنم در آنچه نوشته‌ام اگر بر خلاف مصالح بهینی از مامورین

شوروی در ایران باشد ولی در حقیقت خدمتی به مصالح حقیقی ایران در ملل اتحاد جماهیر شوروی نموده‌ام؛ زیرا تا حقایق گفته نشود و احسانت و انکار و تعابلات ملات ایران را همسایگان ما ننماید زمینه‌ای برای حسن تفاهم فراهم نتواند شد.

تهدیدات و تبلیغات قیم آذربایجان یا تجزیه طبرستان ما را متوجه نیسازد!!!

عالم اسلام فصل نتواند کرد که سر نوهت مهد ضمن - الدین تبریزی گرفتار هوس و حکمرانی «آرداهس ارمنی» گردد!!!

از این وقایع در تاریخ گذشته ایرانیان بسیار دیده ام!! کیلان و مازندران هم چهل‌سال تحت اشغال سرانژان بطر کبیر بود و بالاخره در زمان امپراطورسی «انا ایوانوا» از قید وقت خلاص گردید!!

در بیست و چهار سال قبل هم حکومت مختلط شوروی برای چند ماه در کیلان تشکیل شد و پس از آنکه حکومت مکتو متوجه حقایق و جریان جنبش های مسوعی گردید با بحال آن حکومت و رجعت قوای شوروی امر داد.

اولیاء سفارت شوروی نباید از نشر این حقایق گله داشته باشند در صورتیکه آژانس تلر-راديو مسکو جراید مزدور تهران مجاز در برتاب کردن تیر انواع تهمت ها هستند و در عین حال سفارت شوروی بخود اجازه میدهد توقیف جراید ملی ایران را تا نشان نماید و از طرفی هم حکومت ما بواسطه عریض شدن و تهدید و حقیقتاً مکتوبات اختیار

کرده جز اینکه بهت نمایندگی مات این حقایق را فاش سازم چاره
نداشتم.
زیرا اگر برای ما نشریات آژانس ناس- رادیو مسکو
جراید مزدور تهران قابل توجه بود لکن اظهارات جناب آقای
کافتارادزه را نمیتوانستیم بسکوت برگذار کنیم و لازم بود ادعای
وجود دشمنانی را در ایران برای ملل اتحاد جماهیر شوروی -
بانهایت شدت- تکذیب کنیم.

سید ضیاء‌الدین طباطبائی
نماینده یزد و رئیس الوزرای اسبق

تهران ۲ محرم ۱۳۶۴ قمری
مطابق ۲۷ آذر ماه ۱۳۲۳ شمسی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

(این اعلامیه در تاریخ ۲۳/۹/۲۹ در شماره ۳۳۷ روزنامه بومیه رعد امروز منتشر شد
بعلاوه اعلامیه مذکور در جراید هور - کوشش - نسیم شمال - نامه آزاد -
سرگذشت - ناهید و خلاصه آن در بعضی جراید دیگر منتشر گشته)